نگاه

بیماری و ناتوانی جرم نیست

دکتر وحید رواقی*

• خبر این بود؛ «معلمان آزمایش می‌شوند». خوش‌بینی رسم ناگزیر روزگار است. امید بسته بودم به اینکه کسانی با حرفه جان‌فرسای معلمی آشنا بوده‌اند، تدبیری اندیشیده‌اند تا معلمان جوان از سلامت خود آسوده‌خاطر باشند. اما جزئیات خبر چیز دیگری بود. بخشنامه استخدامی معلمان درواقع فهرست سیاهی بود از شرایط جسمی متعددی که داشتن یکی از آنها کافی بود برای محروم‌شدن فرد از استخدام برای شغل معلمی. اندکی پس از دست‌به‌دست‌شدن این بخشنامه، منتقدان بی‌رحمانه، آن‌گونه که سزاوارش بود، آن را نواختند تا جایی که خیلی زود وعده اصلاح داده شد.

ایراد ساختاری این بیانیه جرم‌انگاری بیماری و ناتوانی است. گویی آدم‌ها حق انتخاب داشته‌اند و خودخواسته دچار ناتوانی و بیماری شده‌اند، ازاین‌رو شایسته مجازات‌اند. نگاه سرزنش‌آمیز به بیماری و ناتوانی سابقه‌ای طولانی دارد. انتظار می‌رفت نظام آموزش‌وپرورش، آن‌گونه که از اسمش برمی‌آید، برای اصلاح این نگاه تلاش کند. به کودکانمان بیاموزد اگر ناتوان و بیمار باشید، همچنان می‌توانید معلم خوبی باشید. به آینده‌سازان بیاموزد بیماری نه جرم است و نه محدودیت و به‌واسطه بیماری و ناتوانی کسی نباید از دست‌یابی به فرصت‌های اجتماعی و شغلی محروم شود. از فهرست بیماری‌ها و اظهارنظرها هویداست که کار تدوین این بخشنامه با مشورت یک کمیته پزشکی انجام شده است. به صراحت می‌توان گفت نه‌تنها این کمیته پزشکی ناشناس که نه هیچ نهاد دیگری منتسب به حرفه پزشکی، صلاحیت اعتباربخشی به یک بخشنامه تبعیض‌آمیز را ندارد. متأسفانه نگاه تبعیض‌آمیز نسبت به افراد بیمار و ناتوان در حرفه پزشکی سابقه‌ای تاریخی دارد. اساسا به دلیل همین نگاه واپس‌گرا به پدیده ناتوانی، دیدگاهی که فرد کم‌توان را «مشکل و دردسر» قلمداد می‌کند، در علوم سلامت نگاه «پزشکی‌محور» می‌خوانند. در مقابل این نگاه، مدل اجتماعی ناتوانی ارائه شده است که معتقد است ناتوانی فرد به‌خاطر شرایطی است که جامعه و محیط اطراف به فرد ناتوان تحمیل کرده‌اند. این دو نگاه همواره در تضاد بوده‌اند. قصد ندارم برای آوردن مثال از مدل اجتماعی ناتوانی راه دور بروم و از کشوری غریبه مثال بیاورم. در همین قوانین استخدامی ایران سهمیه‌ای برای افراد کم‌توان و ناتوان در نظر گرفته شده که با وجود کم‌وکاستی‌ها نمونه یک قانون مترقی است. انتظار می‌رفت آموزش‌وپرورش الگویی باشد برای تغییر شرایط محیطی به منظور توانمندسازی فرد ناتوان. مسئولان آموزش‌وپرورش می‌توانند توانمندسازی افراد ناتوان را از یکی از همکاران خود، یعنی همان معلم مریوانی بیاموزند که موهای سرش را برای پشتیبانی از شاگرد سرطانی تراشید.

گمان می‌رود از دلایل احتمالی صدور چنین بخشنامه‌ای صرفه‌جویی در هزینه‌ها باشد. علاقه‌ای ندارم در اینجا اشاره کنم که در کدام دوران تاریخی و در کدام کشور، محرومیت‌های اجتماعی افراد ناتوان با برچسب‌زدن به آنها به‌عنوان «نان‌خوران بی‌مصرف» توجیه شده است. در جامعه‌ای که توانمندسازی افراد ناتوان در ساخت‌وساز شهرها و کلان‌شهرها نادیده گرفته شده، از آموزش‌وپرورش انتظار می‌رود هزینه مصرف‌شده برای توانمندسازی افراد ناتوان، بیمار و دچار عارضه جسمی را هزینه تلف‌شده حساب نکند.

یکی دیگر از ایرادات اساسی این بخشنامه، درهم‌آمیختن تعریف‌های مختلف از بیماری است. در علوم سلامت اصطلاحات متفاوتی برای توصیف سلامت/بیماری وجود دارد. یکی از آنها توصیف‌کننده حال بیمار از نگاه خود اوست، دیگری تفسیر بالینی بیماری از نگاه حرفه پزشکی و دیگری قابلیت فرد برای ایفای نقش اجتماعی. در تدوین این بخشنامه این سه نگاه به پدیده سلامت/بیماری از یکدیگر تمییز داده نشده است. در این بخشنامه به صراحت آمده است: «تعداد دندان‌ها کمتر از ۲۰ عدد ممنوعیت استخدام دارد». اما چرا ۲۰ دندان، نه کمتر و بیشتر؟ ۲۰ دندان در مطالعات همه‌گیرشناختی سلامت دهان عدد شناخته‌شده‌ای است. از این شاخص برای تخمین و مقایسه وضعیت سلامت دهان بین کشورها یا در بازه‌های زمانی استفاده می‌شود. اما استفاده از این شاخص در مورد فرد معنی و مفهوم مشخصی ندارد. چه‌بسا کسی با یک دندان ازدست‌رفته دچار محدودیت‌های بیشتری شود تا کسی که ۱۰ دندان را از دست داده است. استفاده از چنین شاخصی برای محروم‌کردن فرد از ایفای نقش اجتماعی نه مبنای علمی دارد و نه مبنای اخلاقی. از دیدگاه عدالت اجتماعی نیز، گرفتن فرصت‌های شغلی از افرادی که به دلایل اجتماعی و اقتصادی از سلامت مطلوبی برخوردار نیستند، پذیرفتنی نیست.

صدور و انتشار این بخشنامه اما تماما بدون سود و فایده نبود. با انتشار این بخشنامه یک بار دیگر آشکار شد که افراد ناتوان و بیمار جسمی، مانند دیگر آسیب‌دیدگان اجتماعی، در خطر پیش‌داوری‌های بی‌رحمانه‌اند. آن‌قدر که می‌شود یک نسخه از این بخشنامه را بر دیوار دانشکده‌های پزشکی، علوم سلامت و علوم اجتماعی آویخت تا دانشجویان بیاموزند هم‌پیمانی دو نهاد سلطه‌جو و تأدیبگر آموزش و پزشکی در پوشش خیرخواهی برای جامعه می‌تواند چه سرانجامی داشته باشد.

*پژوهشگر و استادیار سلامت جامعه دانشگاه بیرمنگام انگلستان

پس از ۱۴ سال رابطه تیره و ناهماهنگ رخ داد

دست دوستی دولت و شهرداری

شرق: نامه تبریک رئیس‌جمهوری به شهردار تهران و پاسخ شهردار تهران به رئیس‌جمهوری به‌علاوه پیام‌های تبریک تعدادی از چهره‌های شاخص کابینه به محمدعلی نجفی، خبر از اتفاقی جدید در ساختار مدیریت شهری پایتخت می‌دهد. اتفاقی که تهران و ساکنانش سال‌ها از آن دور بودند. مدیریت شهری بعد از ۱۴ سال تغییر کرده و بعد از مدیریت دوساله محمود احمدی‌نژاد و مدیریت ۱۲ساله محمدباقر قالیباف که راه تعامل بین دولت و شهرداری در دوره آنها بسته شده بود، حالا این امید در بالاترین سطح ایجاد شده که شهردار تهران و دولت همسو با هم رشته تعاملات گسسته‌شده را از سر بگیرند. وزیر کشور پنج روز بعد از شروع به کار شوراها، حکم شهردار جدید تهران را در آخرین ساعات یکشنبه امضا کرد و خیال شورای‌پنجمی‌ها و تهرانی‌ها را راحت کرد. حالا محمدعلی نجفی شهردار پایتختی شده که منتظر تغییراتی مهم است و باید دید در اجرای قول‌ها و برنامه‌هایش چقدر جدی است. او روز گذشته به عیادت دوست قدیمی و رقیب خود در رسیدن به بهشت رفت. حسین مرعشی چند روزی است که در بیمارستان و منتظر عمل قلب باز است. نجفی سپس در دفتر کار خود به عنوان شهردار تهران حاضر شد. واکنش‌ها به انتخاب نجفی و پیام‌های تبریک در این روزها بسیار زیاد بود اما از این میان شاید مهم‌ترینشان، پیام رئیس‌جمهوری به شهردار جدید تهران باشد. حسن روحانی در پیامی به محمدعلی نجفی، انتخاب او از سوی شورای شهر تهران به سمت شهردار تهران را تبریک گفت. در متن پیام رئیس‌جمهوری آمده است: «انتخاب شایسته و قاطع جناب‌عالی از سوی شورای اسلامی شهر تهران به سمت «شهردار تهران» را که بیانگر کارآمدی و سوابق ارزشمند شما در سطوح بالای مدیریتی و اجرائی است، صمیمانه تبریک می‌گویم. امیدوارم در پرتو بهره‌مندی از خرد جمعی، تدابیر توسعه‌محور و نیز همکاری مؤثر شهرداری و دولت در چارچوب قوانین و مقررات، شاهد هم‌افزایی بیشتر در ساماندهی امور پایتخت کشور و تبدیل آن به شهری توسعه‌یافته با مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی و ایرانی برای تمامی شهروندان باشیم». نجفی پیش از این هم در دولت قبلی روحانی سمت معاون و مشاور او را عهده‌دار بود. شهردار تهران هم در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری اظهار امیدواری کرده که رابطه دولت و شهرداری به ارتباطی کاملا حسنه تبدیل شود. محمدعلی نجفی پیام رئیس‌جمهوری را در نخستین روز آغاز به کار رسمی خود در لباس خدمت به شهروندان تهرانی، بسیار دلگرم‌کننده و امیدبخش برشمرده و گفته است: «در چهارسالی که در دولت تدبیر و امید در سمت معاونت رئیس‌جمهور و مشاورت، توفیق حضور و خدمت داشتم از حضرتعالی، بسیار آموختم. امید آن دارم که با راهنمایی‌های حضرتعالی و همراهی و همکاری دولت، رابطه دولت و شهرداری به ارتباطی کاملا حسنه تبدیل و در پرتو آن تهران به عنوان «ام‌القری جهان اسلام»، آبادتر و توسعه‌یافته‌تر گردد و به شهری برای زندگی مطلوب شهروندان تبدیل شود و همه ما بتوانیم خدمتگزار حقیقی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و مردم عزیز ایران باشیم».قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت دولت دوازدهم هم که ساعاتی پس از امضای حکم نجفی در پیامی این انتخاب را تبریک گفت، صبح روز گذشته شخصا در دفتر شهردار تهران حاضر شد و با نجفی دیدار کرد. به غیر از او، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه هم در پیام‌هایی جداگانه انتخاب محسن هاشمی به ریاست شورای شهر تهران و محمدعلی نجفی به‌عنوان شهردار تهران را تبریک گفت.با این اتفاقات که خبر از دور جدیدی از تعامل و همراهی دولت و شهرداری پایتخت می‌دهند، اهالی تهران می‌توانند امیدوار باشند که مشکلات ساختاری شهرشان با همکاری مشترک دولت و شهرداری پس از سال‌ها حل شود. مشکلاتی که حتما دیدارهای مشترک و رفت‌وآمدها از بهشت به پاستور و بالعکس و حضور شهردار تهران در هیئت‌دولت و سایر کمیسیون‌های مرتبط و مشترک، می‌تواند برای حل آنها بسیار راهگشا باشد.

به گفته کارشناسان، رفع آلودگی‌های زمین یک مرکز زباله ۱۰۰ سال طول می‌کشد

خروجی «سد هراز» فاضلاب خواهد بود

مرکز تخلیه زباله شهر آمل/عکس: محمود رحیمی، مهر

صدرا محقق: جایی مانند مرکز تخلیه زباله آمل که در بالادست محل احداث سد هراز واقع شده است، برای پاک‌سازی کامل حداقل به صد سال زمان نیاز دارد. این بخشی از گفته‌های محمدجعفر طاهرزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه بوراس سوئد و مسئول مرکز بازیافت منابع این دانشگاه در گفت‌وگو با «شرق» است. ساخت سد هراز در نزدیکی شهر آمل در استان مازندران که از سال ۸۹ شروع شده، بر اساس آمار رسمی اعلام‌شده در وب‌سایت شرکت مدیریت منابع آب ایران، قرار است سالانه ۶۴۵/۲۰میلیون مترمکعب، آب قابل تنظیم سالانه داشته باشد؛ بااین‌حال، فاصله کمتر از پنج‌کیلومتری محل احداث آن با مرکز تخلیه زباله آمل که ۳۵ سال است در آن زباله تخلیه می‌شود و همین الان هم بر اساس آمار شهرداری آمل، روزانه پذیرای ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن زباله است، پروژه ساخت و تکمیل آن را با ابهام و پرسش‌های بزرگی همراه کرده است. به‌ویژه آنکه در صورت اتمام پروژه و آبگیری، این مرکز زباله در دریاچه سد غرق خواهد شد؛ موضوعی که به گفته پرفسور طاهرزاده، در صورت وقوع، خروجی آب سد هراز را تبدیل به فاضلاب خواهد کرد.

این استاد ایرانی دانشگاه بوراس سوئد، در پاسخ به سؤال «شرق» مبنی بر اینکه «مسئولان گفته‌اند برای ساخت سد هراز که دریاچه آن به این محل می‌رسد، این مرکز را تعطیل کرده و زباله آن تخلیه می‌شود. آیا با تخلیه زباله از این محل، مشکل این آلودگی حل می‌شود و می‌توان امیدوار بود که آب سد را آلوده نکند؟»، این‌طور پاسخ داد: «با توجه به اینکه زباله دپوشده در این مرکز به صورت مخلوط است و بارندگی هم در این منطقه زیاد اتفاق می‌افتد، این منطقه با دو مشکل مواجه است؛ اول اینکه ترکیبات آلی که باعث بالارفتن COD آب (COD مخفف Chemical Oxygen Demand، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش آلودگی فاضلاب است. آلودگی ناشی از مواد خارجی که وارد آب شده و به صورت معلق یا محلول باعث آلودگی آن و تولید فاضلاب می‌شوند) شده و عملا آب را تبدیل به فاضلاب می‌کند و دوم اینکه ترکیبات فلزات سنگین که سمی هم هستند، وارد آب می‌شوند. بر همین اساس، عملا در صورت آبگیری و راه‌اندازی این سد، خروجی آن فاضلاب خواهد بود نه آب شرب».او دراین‌باره افزود: «در این محل‌های دفن زباله مواد آلی به‌تدریج تجزیه و به گاز تبدیل می‌شوند؛ منتها این پروسه و روند طولانی است و حدود صد سال بعد از بستن یک مرکز تخلیه زباله آغاز می‌شود که البته این مرکز زباله خاص در مازندران هنوز باز و فعال است و این یعنی هنوز تجزیه در این محل ادامه دارد. ولی مواد غیرآلی مانند فلزات سنگین آنجا باقی می‌مانند و تنها راه، تخلیه این مواد است و این کار هم پرهزینه است».طاهرزاده همچنین در پاسخ به سؤالی در رابطه با اینکه «اگر در هر صورت سازندگان سد برای ساخت آن اصرار کنند و راهی جز آن نباشد، آیا راه‌حلی برای این مشکل و پاک‌کردن اثر آلودگی این مرکز زباله برای اینکه روی آب دریاچه سد تأثیر نگذارد وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است این راه‌حل چیست؟» نیز این‌طور توضیح داد: «در دنیا تنها راه بستن این محل‌ها و روی‌آوردن به روش‌های نوین، امحای زباله است. در کشورهایی مثل سوئد، آلمان، اتریش و هلند دفن زباله دقیقا صفر شده است. ولی مراکز تخلیه زباله قدیمی هم هستند که اطراف و روی آنها بسته و پوشانده شده و به صورت آرام‌آرام کار تخلیه در آنها انجام می‌شود. در پرسشی دیگر از این عضو هیئت علمی دانشگاه بوراس سوئد پرسیدم «در جایی مانند این محل، تا چه مدت اثرات آلایندگی زباله‌ها و شیرابه زباله‌ها در خاک و زمین منطقه باقی می‌ماند؟» و این پاسخ او به پرسشم بود: «اگر همین امروز هم این مرکز بسته شود، آلودگی ناشی از این زباله‌ها و شیرابه آنها تا صد سال هم در زمین‌های آن منطقه باقی می‌ماند و واقعیت این است که ساخت سد نزدیک مرکز تخلیه زباله، باعث فاجعه برای آب رودخانه هراز می‌شود؛ چون همان‌طور که گفتم، در این صورت خروجی آب سد به‌جای آب، فاضلاب خواهد بود».به‌جز این، چند روز پیش نیز حسینعلی ابراهیمی‌کارنامی، مدیرکل محیط زیست استان مازندران، در گفت‌وگویی با «شرق» در رابطه با ساخت این سد در کنار مرکز زباله، این‌طور گفته بود: «طبق توافقات، قرار بود دو سال پیش از آبگیری، مشکل زباله کاملا پاک‌سازی شود و تا امروز هیچ اتفاقی نیفتاده است. درصورتی‌که طبق اعلام خود مسئولان، این سد قرار است در سال ۹۸ یا ۹۹ افتتاح و آبگیری شود؛ یعنی الان زمان رسیدگی به تعهداتشان است. ۳۵ سال است که روزانه ۲۰۰ تا ۲۵۰ تُن زباله در این محل دفن می‌شود. اصلا آیا شدنی است که در شش ماه این حجم زباله را پاک‌سازی کرد؟ آن همه شیرابه نفوذکرده در زمین را آیا اساسا می‌شود پاک‌سازی کرد؟ حتی اگر بخواهند این کار را از همین امروز هم بکنند، با چه روش و مکانیسمی قرار است این کار انجام شود؟ این مسائل است که ما را به‌شدت نگران می‌کند. وظیفه من این است که بررسی و اعلام نگرانی کنم. من حتما در چنین مواقعی موضع‌گیری خواهم کرد و حتما هشدارهای لازم را خواهم داد. ما می‌گوییم اتفاق و خطر بزرگی ممکن است رخ دهد، بیایید دست به دست هم بدهیم و این مشکل را حل کنیم. اگر به این مشکل رسیدگی نشود و طبق قانون اگر به تعهداتی که در قالب ارزیابی زیست‌محیطی دادند عمل نکنند، حتما پیگیر می‌شویم؛ چون حیات مردم نباید قربانی کشمکش بی‌خود بین دستگاه‌ها شود. به خدا سرطان در حال کشتن مردم است».با وجود این‌گونه نظرات تخصصی، اما مدیران استانی و محلی همچنان بر ساخت این سد اصرار دارند و مشغول سخنرانی و مصاحبه و تلاش برای جذب بودجه‌های بیشتر برای نهایی‌کردن این سد هستند؛ سدی که بر اساس اعلام یک هزار میلیارد تومان بودجه ساخت آن خواهد بود. همین چند روز پیش و در اولین روزهای شهریورماه بود که جعفر رسولی، فرماندار ویژه آمل، در واکنش به مخالفت و اعتراض مدیرکل محیط‌زیست با ساخت این سد در جلسه شورای اداری شهرستان آمل این‌طور گفته بود: «کلنگ سد هراز در سال ۸۹ با درنظرگرفتن تمام جوانب زیست‌محیطی و با حضور معاون‌اول رئیس‌جمهور و وزیر وقت نیرو به زمین زده شد. چطور یکی از مدیران استانی حرفی نسنجیده و نپخته مطرح می‌کند که این سد بارها از سوی دکتر جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور و وزیر نیرو و معاونان ایشان مورد بازدید قرار گرفت و با پیگیری‌های استاندار مازندران و نماینده مردم آمل در مجلس و تخصیص اعتبارات از سوی دولت تدبیر و امید خواستار تسریع در احداث سد هستند». وی همچنین گفته بود: «مدیرکل محیط زیست مازندران چطور به خودش اجازه می‌دهد که برای شهر آمل و پنج شهر دیگر مازندران که از آب سد به عنوان آب آشامیدنی استفاده می‌کنند چنین حرفی را بزند. آقای مدیر به جای حرف‌های نسنجیده‌زدن به مشکلات زیست‌محیطی مازندران برسد که زباله، آلودگی رودخانه و وجود کشتارگاه‌های غیربهداشتی بلای جان مردم مازندران شده است».علاوه‌براین خردادماه امسال نیز محمدابراهیم یخکشی، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای مازندران، در اظهارنظری اعتبار مورد نیاز برای تکمیل پروژه سد مخزنی هراز را دوهزارمیلیارد ریال اعلام کرد. او گفته بود: «برای تکمیل پروژه سد مخزنی هراز حدود ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز بوده و هم‌زمان دو پروژه جابه‌جایی جاده جایگزین و ساخت سد در حال ساخت است و برنامه تحویل سد هراز از سوی پیمانکار این مجموعه تا پایان سال ۹۷ اعلام شد و ما تلاش می‌کنیم که این مهم انجام شود». مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای مازندران با اشاره به اینکه ساخت سد هراز پیشرفت خوبی داشته است، ادامه داد: سد هراز تاکنون ۳۰ درصد و جاده جایگزین ۱۰ درصد پیشرفت داشته‌اند».حال با توجه به تجربه بسیار پرهزینه و بحران‌زای سد گتوند که دریاچه آن روی یک کوه نمکی احداث شد و باعث افزایش شوری بیش از اندازه آب رودخانه کارون شده است و هنوز راه‌حلی برای آن یافت نشده، باید دید آیا سد هراز با این وضعیت ساخته خواهد شد یا خیر، سدی که در صورت راه‌اندازی به شکل کنونی سالانه میلیون‌ها لیتر آب شرب شیرین را به فاضلاب تبدیل خواهد کرد.

ابتکار: خاستگاه فکری ما فمینیسم نیست

مهر: معاون امور زنان و خانواده با تأکید بر اینکه خاستگاه فکری ما در حوزه زنان فمینیسم نیست، افزود: بسیاری از مشکلات ناشی از نگرش‌ها، باورهای غلط و پیرایه‌های نادرستی است که به دین زده می‌شود. وی افزود: معتقدم در حوزه زنان برای پیشبرد امور نباید وارد تقابل شویم، حتما باید وارد تعامل شویم. تا امروز همه پیشرفت‌هایی که در حوزه زنان اتفاق افتاده با استدلال، با منطق و با تلاش‌های خود زنان محقق شده است. ما امروز یک قشر تحصیل‌کرده بزرگ از زنان توانمند داریم که مطالبات روشنی دارند. به‌طور طبیعی هیچ دولتی نمی‌تواند این جریان اجتماعی را نادیده بگیرد. ما باید در این زمینه‌ها تلاش کنیم و مسائل را با تعامل با مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید پیش ببریم. نگاه تعاملی با تشکل‌های غیردولتی هم بسیار مهم است که باید مورد توجه همه کسانی باشد که می‌خواهند قدمی در حوزه زنان بردارند. ابتکار در ادامه گفت: «من فکر نمی‌کنم لزوما باید ریشه فعالیت‌های‌مان در بهبود وضعیت زنان در جامعه را در اندیشه فمینیسم جست‌وجو کنیم. ما اساس فعالیت‌ها و زمینه فکری خود را باید در فرهنگ و باورهای دینی خودمان پیدا کنیم و جامعه، اقتضائات و نیازهای خودمان را باید بشناسیم و با این پس‌زمینه اقدام کنیم. شأن و منزلت جامعه اسلامی این است که زنان در یک جایگاه رفیع متناسب با تعالیم قرآن و نگاه بلند امام به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب و جایگاه بلندی که رهبری در نظر دارند، قرار گیرند. ما باید بتوانیم این جایگاه را امروز محقق کنیم. درحال‌حاضر شرایط جامعه ما نسبت به آنچه گفته می‌شود و باید به آن برسیم خیلی فاصله دارد. آسیب‌ها و چالش‌ها در حوزه زنان زیاد و فاصله‌های فرهنگی عمیق است. معاون رئیس‌جمهور درباره راهکار عملی معاونت امور زنان و خانواده برای رسیدن به وضع مطلوب و رفع محدودیت‌های موجود نیز این‌طور توضیح داد: «در همه زمینه‌ها باید دیده‌بان وضعیت زنان، فعال شود و نقاط قوت و البته محدودیت‌ها و موانع شناسایی شود. سعی می‌کنیم مشکلات را به‌صورت حقوقی و با تعامل پیش ببریم. در موارد زیادی حقوق زنان نادیده گرفته شده است، اما معتقدیم راهکار رفع این موارد، باورهای دینی و ملی خودمان است. بااین‌حال حتما با دنیا تبادل تجربه خواهیم داشت. نگاه ما نگاه شهروند جهانی است. ما موفقیت‌های زیادی در حوزه زنان داشته‌ایم که باید در سطح منطقه و جهان معرفی کنیم و از سویی در سطح دنیا هم تجربیات خوبی وجود دارد که نمی‌توانیم نادیده بگیریم. مناسبات بین‌المللی ما هم در سطح جهانی و هم در رویکردهای دوطرفه برنامه‌ریزی خواهد شد. ابتکار درباره خشونت علیه زنان نیز گفت: موضوع خشونت در جامعه وجود دارد. این خشونت در سطح خانواده، جامعه و در محیط کار دیده می‌شود که ریشه فرهنگی دارد. تأمین امنیت زنان در برابر خشونت و تدوین لایحه‌ای در این زمینه با همکاری قوه قضائیه یکی از برنامه‌های خوب معاونت امور زنان در دوره گذشته بود که این موضوع با تعامل با قوه قضائیه پیگیری خواهد شد. برای رسیدن به نقطه مورد نظر، همچنین نیازمند آموزش حقوقی و مهارت‌آموزی اجتماعی به زنان و دختران و چه‌بسا مردان هستیم.

ادامه از صفحه اول

خدمات فرهنگی دکتر ابراهیم یزدی

انتشار برخی اسناد شخصی درباره دکتر چمران یا نگاه ویژه به جنبش دانشجویی ایران در سال‌های پیش از انقلاب به این آثار ارزش تاریخی و سندی زیادی بخشیده است. ازجمله کتاب‌های این بخش می‌توان به بازرگان اسوه تقوی و صداقت، جنبش دانشجویی در دو دهه: از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰، سه جمهوری، کالبدشکافی توطئه: کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یادنامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها (مطالبی ناگفته پیرامون انقلاب اسلامی ایران)، دکترین امنیت ملی و کتاب بررسی جنبش‌های اسلامی و معرفی چهره‌های ناشناخته روحانیت معاصر اشاره کرد. به نظر می‌رسد انتشار این آثار، آن هم برای شخصیت پرمشغله‌ای مانند دکتر یزدی، نشانی از بُعد دیگر شخصیت و دل‌مشغولی‌های فرهنگی اوست.

نیم‌قرن فعالیت سیاسی آزادی‌خواهانه و گاه پرالتهاب، دبیرکلی یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های سیاسی کشور و انتشار ده‌ها کتاب و مقاله در عرصه فرهنگی و تاریخی کارنامه این شخصیت ایرانی است. در سال‌های گذشته دکتر یزدی در حال تدوین و انتشار خاطرات خود با عنوان ۶۰ سال صبوری و شکوری بود که مرگ اجازه نداد تا یزدی اتمام کار و انتشار آن را نظاره‌گر باشد. در این مجموعه که چند جلد آن آماده شده، اسناد بسیار مهم و نادیده‌ای از تحولات ایران در دهه‌های گذشته به‌ویژه اسناد مرتبط با انقلاب اسلامی منتشر شده و از این نظر منبع بسیار بااهمیتی در اختیار محققان و علاقه‌مندان قرار گرفته است. یزدی در دهه‌های اخیر با ناملایمات زیادی روبه‌رو بود؛ اما این ناملایمات هیچ‌گاه موجب کناره‌گیری او از مسئولیت‌های ملی و وطنی‌ای که برای خود تعریف کرده بود، نشد. یادش گرامی باد.

ادامه از صفحه ۱۶

اعتبار صددرصدی عملکرد ۱۰ درصدی

او درعین‌حال گفته بود که هیچ‌کدام از ۲۵ مجتمع بهاران برون‌سپاری نشدند و فقط برای بهره‌برداری به مراکز دارای مجوز واگذار شده است. البته رضا قدیمی، مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران، در اظهاراتی متفاوت دراین‌باره گفت که فقط سه یا چهار مرکز بهاران به قرارگاه امام رضا(ع) داده می‌شود و شهرداری از حضور سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در این زمینه استقبال می‌کند. هرچند او هم در این اظهارات جزئیات روشنگرانه‌ای ندارد.

مجتبی عبداللهی، معاون اجتماعی شهرداری سابق تهران، درباره واگذاری مجموعه بهاران به قرارگاه امام رضا(ع) به «شرق» می‌گوید: «بخش خصوصی دارای مجوز را در این حوزه وارد کرده‌ایم. مؤسساتی که افرادی مانند آقایان ابهری، دیلمی‌زاده، رجبی، دولتی، قاسمی و... مسئول آن هستند و اینها غیر از برخی گروه‌ها و نهادهای مردمی هستند». او در پاسخ به اینکه با چه روندی این واگذاری‌ها انجام شده است، گفت: «اینها مجموعه‌هایی هستند که با ما در ارتباط بوده‌اند و از بین آنها انتخاب کرده‌ایم و در چارچوب قانونی بهره‌برداری از بهاران را به آنها داده‌ایم. به همین دلیل می‌گوییم واگذاری به قرارگاه امام رضا(ع) صحت ندارد. قرارگاه تشکیلاتی است که در مسائل خیریه‌ای وارد می‌شود و باید از آنها حمایت کنیم». او صراحتا می‌گوید هیچ‌یک از مجموعه‌های بهاران به قرارگاه امام رضا(ع) به هیچ نحوی برای بهره‌برداری یا اقدام دیگری داده نشده است. این قراردادها را با مزایده نداده‌ایم و تأیید این افراد مورد نظر ماست. شهرداری روی عملکرد این افراد نظارت دارد و زمان قرارداد هم دو یا سه سال است. مجتبی شاکری، عضو شورای شهر تهران در دوره چهارم دراین‌باره به «شرق» گفت: شهرداری باید یک مدل آزمایشی را برای چنین اقدامات مهم و زیرساختی برای حوزه اجتماعی انجام می‌داد و بعد برای ایجاد بیش از ۲۲ مرکز بهاران یا ۴۴ بهاران برنامه‌ریزی کنیم. آنچه در عمل شهرداری تهران انجام داد، سیرنشدن این مراحل قانونی و تکمیلی بود و براساس مطالعه به این مدل نرسیدند. خود آقای قالیباف هم در گزارشی گفت در این باره به مدل خاصی نرسیده‌ایم و حالا باید به جبران این طرح اقدام کنیم. او می‌گوید بهاران را نه باید با مدیریت شهرداری و نه با شیوه خصوصی‌کردن اداره کرد؛ بلکه مسئله مهم در این زمینه داشتن مدل و برنامه برای اجرای کار است. ما تاکنون درباره نتیجه اقدامات بهاران تا پایان کار شورا گزارشی دریافت نکردیم. گفتند ما سه هزار نفر را پذیرش و مدیریت کردیم و ما گفتیم لیست اسامی این افراد را به ما بدهید. حرف زیاد داشتند اما آمار و گزارشی نداشتند و ما نتیجه‌ای ندیدیم. آنچه ما دیدیم و مسئولان بهاران می‌گفتند، این بود که در همان شروع جذب افراد حدود ۶۰ درصد افراد می‌روند و بعد به تدریج می‌روند و در نهایت شاید ۱۰ درصد هم باقی نمی‌مانند. شاکری می‌گوید هزینه صد درصدی برای نتیجه ۱۰درصدی با منطق مدیریتی سازگاری ندارد. شاکری به بودجه سال ۹۶ اشاره دارد و می‌گوید، عددی را پیشنهاد کردند برای بهاران که ما مقاومت کردیم و بعد که گزارش مختصری دادند، معلوم شد از کل مجموعه‌های بهاران فقط چهار یا پنج مجموعه فعال است اما بودجه را برای ۲۳ مجموعه می‌خواستند بگیرند که ما جلوی آن را گرفتیم. این بودجه را برای ۲۳ بهاران در سال ۹۵ را کامل گرفته بودند. او می‌گوید در شرایطی که مدلی برای کنترل و نگهداری این افراد آسیب‌دیده وجود ندارد، با واگذاری مراکز به بخش خصوصی نگرانی‌ها بیشتر هم می‌شود. درباره واگذاری این مجموعه‌ها به بخش خصوصی هم شورا مصوباتی را داشته است. برای همین طرح ساماندهی هرندی درخواست ۴۰۰ میلیارد تومان اعتبار کردند، ما گفتیم که یک صفحه برای مطالعات پیوست این موضوع نیاورده‌اند ولی آقای چمران گفتند رأی بدهید، قول می‌دهند بیاورند. ما باید قانع می‌شدیم بعد رأی می‌دادیم ولی این‌گونه نشد؛ همه ما رأی دادیم و گزارشی نیامد. حالا هم ما رأی دادیم که این پول‌ها خرج شد و دیگر یقه کسی را نمی‌توانیم بگیریم و شهردار تهران هم اگر مورد سؤالی قرار گیرد، می‌گوید مصوبه شورا را داشته‌ام. درباره هرندی، قالیباف یک‌بار هم مورد سؤال قرار نگرفت. به گزارش «شرق»، محمدباقر قالیباف در همان روزهای اول آغازبه‌کار در شهرداری تهران شروع به ایجاد و افزایش تعداد گرمخانه‌ها برای کارتن‌خواب‌های پایتخت کرد. این مجموعه‌ها کارایی خوبی داشتند تا اینکه شهرداری تهران شروع به واگذاری بهره‌برداری این مجموعه‌ها کرد. بعدها عملکرد پر از سؤال و ابهام پیمانکاران اجتماعی این مجموعه‌ها پررنگ شد اما هیچ‌گاه گزارشی بیرون نیامد. مدیریت مجموعه‌های اجتماعی شهرداری تهران هیچ‌گاه تحت مدیریت افراد متخصص این حوزه نبود و بعدها شهردار تهران فردی از حوزه گردشگری و برج میلاد را به حوزه آسیب‌ها آورد و در ادامه هم مدیری از حوزه خدمات شهری را انتخاب کرد. حال تنها نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که محمدباقر قالیباف که این روزها فارغ از شهر تهران و مسئولیت تمام‌شده‌اش در حج تمتع به‌سر می‌برد، همان روند و تجربه اشتباهی که در مورد گرمخانه‌ها اجرا کرد، در مورد مجموعه‌های بهاران نیز انجام داد.